

## مشاورانندیشه‌ورز

## نه

## مشاورانندیشه‌گریز

هانیه ملکی

سفر درونی و همراه آن تفکر در امور گوناگون زندگی یکی از مختصات انسان باهوش است. چنانچه هوشمندی را در فضای فرامادی زندگی معنا کنیم و صرفاً به مسائل نازل زندگی بیندیشیم، متوجه خواهیم شد که سکوت حکیمانه چه سرمایه بزرگی است! مخصوصاً برای کسانی که در مقام اثرگذاری و سوق دادن آدم‌ها به موقعیت‌های مطلوب زندگی قرار گرفته‌اند. «سخن نگفتن و اندیشیدن» پیامدی شبیه معجزه به دنبال دارد. وقتی فردی که راهنمایی دیگران را بر عهده دارد، حرف‌های پی‌درپی می‌زند و مرتب کلمات و عبارات را در ذهن می‌پروراند و بافته‌هایش را طرح می‌کند، فرصت اندیشیدن نخواهد داشت. ذهن آدمی ضمن اینکه قدرتمند است ولی به مدیریت نیز محتاج است. یکی از قواعد اداره ذهن، «سکوت‌های انتخابی» است. در این نوشته نسبت مشاور با سکوت و توأم با استماع درست حرف‌های مراجع مدنظر است. کسی که به مشاور مراجعه می‌کند، در نازل‌ترین حالت، گره‌های ذهنی در او شکل گرفته است و در بالاترین سطح، ممکن است

به یک اختلال مبتلا شده باشد. یا ممکن است وضع دیگری بر او حاکم شده و در یک محمه قرار گرفته باشد. هر یک از این حالات باشد، حدی از استیصال را دارد. بدیهی است کسی که مستأصل است، رمق زیادی بر شنیدن ندارد و بیشتر مشتاق است با مشاور مؤتمن رازهایش را در میان بگذارد و آرام شود. اصولاً دردمندان، آزمندان «گفتن» هستند. نوعاً آنانی که به هر علتی در صف انتظار اتاق مشاوران قرار گرفته‌اند از مصادیق آزمندان و منتظران نسخه هستند؛ ولی نسخه‌ای که با درد دل‌های آنان درآمیخته باشد.

لذا مشاورى که شنیدن را به حد کافى تمرین نکرده است و یا اصولاً سعه صدر بالایی ندارد، نباید پشت میز مشاوره بنشیند. اصولاً کسی که قرار است مشکلی را حل کند، ابتدا باید از زبان صاحب مشکل بشنود و سپس با الهام از «نقل» مراجع، «عقل» خود را به کار گیرد و قواعدی را ترسیم کند. درست در این نقطه است که «مشاوره اندیشه‌ورز» از «مشاوره اندیشه‌گریز» متمایز می‌شود. ممکن است چنین تصور شود که مگر در عالم واقع مشاور اندیشه‌گریز نیز یافت می‌شود؟ پاسخ مثبت است. گریز از اندیشیدن با ولع سخن گفتن‌های زیاد همراه است. آن کسی که حرص حرف زدن دارد، در حقیقت از اندیشیدن می‌گریزد.

البته مشاورى که می‌اندیشد، چه بسا ضمن مشاوره دادن خود را نیز تغییر دهد. اصولاً عده‌ای از اندیشیدن پیش از مرگ می‌ترسند. چون اندیشیدن آدمی را به تغییر موقعیت وادار می‌سازد. عامل په اندیشه و مشتاقان تفکر قلیل هستند. معمولاً انسان‌ها در

آن جایی که هستند احساس عافیت و راحتی می‌کنند و مایل نیستند آنجا را که جا خوش کرده‌اند، ترک کنند. در حالی که زندگی پویا و زنده، به تغییرات معقول نیاز دارد. مخصوصاً مشاوران عزیز که اگر وضع موجودشان را مناسب‌ترین موقعیت تلقی کنند، قادر به تغییر مراجع نخواهند بود. این تغییر موقعیت برای مشاور وقتی اتفاق می‌افتد که خود را مسافری در راه مشاوره بدانند و متناسب با شرایط مراجعان به بازنگری خود نیز بیندیشد و عمل کند. چه زیبا و حکمت‌آمیز خداوند متعال فرموده:

«ان الله لا یغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بأنفسهم» (سوره رعد، آیه ۱۱)  
خداوند سرنوشت هیچ قوم (و ملتی) را تغییر نمی‌دهد، مگر آنکه آنان آنچه را در خودشان است تغییر دهند!

**اصولاً کسی که قرار است مشکلی را حل کند، ابتدا باید از زبان صاحب مشکل بشنود و سپس با الهام از «نقل» مراجع، «عقل» خود را به کار گیرد و قواعدی را ترسیم کند**

